

شرح زیارت ناحیہ مقدّسہ (۳)

# لحمہ نور

سید ہدایت اللہ طالقانی



همره نور

(۳)

# زیارت ناحیه مقدسه

سوگواره حجة بن الحسن (عج)

بر جد بزرگوارش حسین بن علی (ع)

متن حجت با ترجمه آن

سید هدایت الله طالقانی

شابک:

ISBN :964 - 92793 - 0 - X ● ۹۶۴-۹۲۷۹۳-۰-X (دوره)

ISBN :964 - 7469 - 22 - 5 ● ۹۶۴-۷۴۶۹-۲۲-۵ (جلد ۳)

نشانی پایگاه اینترنت: [WWW . Hedaiat. org.](http://WWW.Hedaiat.org)



قم، خیابان چهارمردان، کوچه ۱۸، پلاک ۹۷  
تلفن: ۷ ۷۲۷ ۷۲۷

نام کتاب: همره نور (شرح زیارت ناحیه مقدسه،  
جلد ۳: متن حجت با ترجمه آن)  
مؤلف: سید هدایت الله طالقانی  
تعداد: ۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه  
چاپ اول: اسفند ۱۳۸۳  
چاپخانه: بهمن، قم  
قیمت: ۲۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است .  
هرگونه تکثیر و چاپ، ممنوع و شرعاً حرام می باشد.

## مقدمه

شرح زیارت ناحیه مقدسه نیازمند چهار مقدمه زیر بنائی بود که به لطف الهی در دو جلد قبلی «همره نور» به پایان رسید. (۱) آخرین مقدمه، «مدارک متن حجت» بود. در آن جا بیست نسخه خطی با هم مقابله شد و موارد اختلافی آنها مشخص گردید. سپس بر اساس مبانی مشخص فنی، مورد بررسی علمی و اجتهادی قرار گرفت و بدینسان متن صحیح از میان نسخ موجود انتخاب شد.

نظر به این که متن صحیح زیارت ناحیه مقدسه برای ما حجت بوده و از طرف حضرت «حجت» صادر شده است، «متن حجت» نامگذاری شد.

شایان توجه است که «متن حجت»، مطابق با نسخه شیخ مفید رحمته الله است؛ یعنی اگر چه در ابتدای بررسی، این نسخه محور قرار نگرفت و تعصب و التزامی نسبت به آن وجود نداشت، ولی در پایان کار و ملاحظه وضعیت متن به دست آمده، مشخص شد که محصول این کار علمی، همان نسخه شیخ مفید است. به عبارت دیگر روشن شد که: مفید، مفید است.

در کتاب حاضر (جلد سوم)، حاصل آن کار تحقیقی؛ یعنی متن صحیح زیارت ناحیه مقدسه (متن حجت) <sup>(۱)</sup> که از استحکام خاصی برخوردار بوده و تزلزل یا نسخه بدل ندارد، همراه با ترجمه، ارائه شده است.

این متن و ترجمه آن، علاوه بر این که مورد نیاز و قابل استفاده عموم است، مبنای شرح ترتیبی و موضوعی (جلدهای بعدی) خواهد بود.

در این ترجمه، علاوه بر کارهای این جانب، ده ترجمه مورد بررسی قرار گرفته و طی سه مرحله تکمیلی ده نفر از فضلاء، اساتید محترم حوزه یا دانشگاه و نویسندگان توانا آنرا دقیقاً بررسی و تکمیل و تهذیب نمودند. به امید آن که حاصل این تلاش‌ها ترجمه‌ای دقیق و منطبق با متن عربی زیارت بوده و علاوه بر رعایت مسائل فنی و تخصصی، ترجمه بصورت روان، سوزناک و توأم با غم و اندوه باشد تا در حد توان سوز جانگداز حضرت «حجت» و مصائب سید الشهداء را به تصویر کشد و اشگ و آه خواننده را روان سازد.

### وجه نامگذاری کتاب

«همره نور» بدین مناسبت عنوان کلی این کتاب و جلدهای قبل و بعد انتخاب گردیده که هر عاشق دل شکسته‌ای همراه با امام زمان و حجت داغدار خویش، سید الشهداء را زیارت می‌نماید و همراه با نور ولایت، در نور شهادت ذوب می‌گردد.

۱ - دو بحث (ص ۱۲ و ۱۷) و کلیه مطالب از ص ۱۸ تا ۸۳، بجز عناوین هر بخش.

## آشنائی اجمالی با زیارت ناحیه مقدسه

### ۱- مرثیه خوان

آنگاه که با طهارت و توجه، چشم دل به دیار عشق و شهادت دوخته و زیارت ناحیه را می‌خوانیم، صدای کدامین مرثیه خوان را با گوش جان و صفای دل می‌شنویم؟  
مرثیه خوان، امام زمان ارواحنا له الفداء است؛ او که تنها وارث برجای مانده از سالار شهیدان و خونخواه واقعی ابا عبدالله و آشناترین مردم نسبت به امام حسین علیه السلام و حوادث عاشورا است.

اوست که به دیده بینای امامتش، لحظه لحظه عاشورا و حماسه آفرینی‌های عاشورائیان را دیده، تلخی مصیبت‌هایش را به زیباترین صورت ترسیم نموده و اوج مظلومیت سالار شهیدان و اهل بیتش را بازگو کرده است.

او رنج غربت و تنهائی امام حسین علیه السلام، تشنگی کودکان خردسال، داغ جانکاه شهادت یاران و اهل حرم و درد اسارت فرزندان رسول الله را با زبان مرثیه خوانی دلسوخته ادا نموده تا داغ جانفرسای این مصیبت بزرگ را بر عمق وجود جانها بنهد و خفتگان را بیدار و بیداران را به خروشی عارفانه و دائمی هدایت کند.

اوست که سوزش تازیانه و سیلی را بر رخسار یتیمان کربلا درک کرده ؛ سنگینی اهانت‌ها و بی حرمتی‌ها را نسبت به اهل بیت لمس نموده و از شدت درد می‌نالند و خطاب به جدّ بزرگوارش امام حسین می‌گوید :

« اگر روزگاران، توّلد مرا به تأخیر انداخت و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نتوانستم با دشمنان تو بچنگم، اکنون هر صبح و شام بر عزای تو زاری می‌کنم و بجای اشک، خون می‌گیریم.»<sup>(۱)</sup>

زیارت ناحیه مقدسه ، آموزه هائی از عشق ، معرفت ، عرفان ، سوز و حماسه و توسل است . در عین حال که مرثیه است ، مسئولیت آفرین و حرکت ساز هم هست ؛ چرا که مرثیه خوان، انسان کامل و استاد جامع است . ظاهر و باطن، معرفت و سوز ، عشق و عرفان و ... را با هم آمیخته و واقعیات جانگداز را با زبان ملکوتی خویش ترنم می‌نماید .

مرغان گلستان همه با سوز و ساز عشق

نالند زار ، همره تو سرو ناز عشق<sup>(۲)</sup>

۱ - در تدوین مطالب این قسمت، از مقدمه زیارت ناحیه مقدسه ، ترجمه و چاپ مسجد مقدس جمکران استفاده شده است .  
 ۲ - مصرع اول از مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای ( شکوفه‌های ولایت، ص ۳۴۸ ) گرفته شده است .

## ۲- زیارت شونده

با این مرثیه غم‌انگیز، کسی زیارت می‌شود که خاک تربتش شفای دردهای بی‌درمان و حرمش جایگاه اجابت دعاست. زیارت کسی است که برای احیای دین قیام نمود و با یاران محدود از دین حمایت کرد. آنچنان دلیرانه در راه اعتلای کلمه حق نبرد کرد که فرشتگان آسمانها به تعجب افتادند و به مقام سالار شهیدان نائل آمد و لقب سید الشهداء را به خود اختصاص داد.

زیارت کسی است که زمینه ظهور بندگان خدا و «عبدالله» شدن مردم را در طول تاریخ فراهم نمود و «ابو عبدالله» گردید و این به بهای آن بود که با لب‌های خشکیده در ملأ عام «نحر شد» و بدنش لگد مال سم اسبها گشت و در سرزمین «کرب بلا» آرمید و اهل آسمانها و زمین در عزای او گریستند. زیارت کسی است که در گودال قتلگاه جان کند و اینک، همان گودال، محل جان‌کندن عاشقان است، جایی است که دل‌کنده می‌شود و به معراج می‌رود.

زیارت کسی است که در غربت و بدون یاور به شهادت رسید و اینک، همان مشهد، مشهدی دیگر شده است. آن مشهد، محل شهادت بود و اینک محل شهود و دیدن و یافتن و چشیدن و... زیارت کسی است که نامش، معراج دلها و صحن و سرایش، آتش افروز جانها و حرمش، آرامگاه قلبها و تماشاگاه رازهاست!!



## ۳- سیمای زیارت

این زیارت بصورت یک تابلوی زیبا و غم‌انگیز به تصویر درآمده است که حکایت از یک واقعه عظیم می‌کند و سیمای پر معنای کربلا و عاشورائیان را به بهترین شکل مجسم می‌سازد.

این تصویر نشان دهنده یک منظره از طبیعت نیست، نشانگر یک حماسه پر شور و پر معرفت است که جهان را به لرزه درآورده و خط مشی زندگی انسانها را ترسیم می‌کند. این زیارت، انسان را با انبیاء و کمالاتشان آشنا می‌نماید و با مصائب و سختی‌های راه مانوس می‌گرداند. عنایت‌های ویژه الهی را بر می‌شمارد تا نصرت‌هایش روشن شود و هر کس باور کند که وعده خدا حق است.

صحنه کربلا و مظلومیت کربلائیان را به گونه‌ای ترسیم می‌نماید که احساس‌ها از عمق جان برمی‌خیزد و شراره‌هایش شعله‌ور گشته، جان را به فغان وامی‌دارد؛ آنچنان که غمناک بنالد؛ نه ناله احساسی، بلکه ناله‌ای معرفتی و حرکت ساز.

چون زیارت خوانده شد	دل سراسر ناله شد
هر که را اینجا دلش بیدار شد	با خبر زان ناله‌های زار شد
معرفت با عاشقی همراه شد	اشک خون، آمیزه هر آه شد
راه اشراقی به رویش باز شد	با نوای کربلا همساز شد

آری! زیارت ناحیه، چهره کربلا را با تعابیری بلند، در فضائی سرشار از سوز و گدازهای مخلصانه و عارفانه بیان نموده؛ آنگونه که جذبه گاه انسانها شده و هر کس به وادی آن قدم می‌گذارد، مجذوب آن زیارت عظیم الشان می‌گردد.

و آن گاه که سراسر وجود انسان را سرشار از سوز و معرفت کرد و او را با تمام وجود، مستعد حرکت و تحوّل نمود، خط‌مشی زندگی را برایش ترسیم می‌کند؛ جانش را با تولّی و تبرّی مأنوس می‌سازد تا محبت اهل بیت و بیزاری از دین براندازان، ره توشه‌اش گردد و سلام بر حسین و حسینیان و لعن بر یزید و یزیدیان طول تاریخ، ورد قلب و زبانش شود و بالاخره راه «عبدالله شدن» را به او می‌نمایاند، به گونه‌ای که با شور و معرفت بگوید:

«الهی! مرا به صالحان ملحق فرما و در عالم بالا با سروران خجسته‌ام پیوند ده».

«اللهم الحقنی بالصّالحین و اجمع بینی و بین السّادة الميامین فی اعلا علیین...»

#### ۴ - نام مشهور و معروف

نام مشهور و معروف این زیارت ، «ناحیه مقدسه» است که در واقع «جایگاه صدور» آن را مشخص می کند .

هر اسمی یادآور مسّی و خصوصیات آن بوده و یک فرهنگ را بدنبال دارد ؛ بگونه ای که انسان با شنیدن آن کلمه ، بسیاری از حقایق برایش تداعی می شود. به همین جهت در اسلام سفارش شده که هنگام نامگذاری ، نام نیکو انتخاب کنید تا همواره یادآور فضائل و کمالات باشد .

نام این زیارت ، یادآور حجت زمان و امام منتظر است ؛ همان که دلها به سویش پر می کشد و چشمها برای دیدنش انتظارا دیده ما ز انتظارت شد سفید ، ای نور چشمان

قلبها خون شد ز هجرت ، ای مه تابان کجائی

خون جدّت ریخت اندر کربلا با نوجوانان

طالب خون شهیدان ، یار مظلومان کجائی (۱)

آنگاه که واژه « ناحیه مقدسه » به گوش می رسد ، جان از کف

می رمد و بسوی دیار عشق و ولا پر می کشد و مجذوب نورانیت آن نور منور می گردد و به دنبالش ، اشک شوق از دل برآید .

آه ! این زیارت بوی دیگر می دهد

بوی مهدی ؛ سرو هستی می دهد

بوی قائم ، بوی امر و مقتدا

اشک قائم ، بر شهید کربلا

## ۵- زمان خواندن

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده و در غیر عاشورا نیز خوانده می‌شود و در نتیجه اختصاص به زمان خاصی نظیر روز عاشورا ندارد؛ یعنی از زیارات مطلقه (بدون قید زمان) می‌باشد.

در این رابطه، شیخ مفید بعنوان اولین ناقل زیارت ناحیه و شیخ محمد ابن مهدی فرموده‌اند: زیارت ناحیه مقدسه، مخصوص روز عاشورا است، ولی بزرگان دیگر نظیر سید مرتضی، سید بن طاووس، علامه مجلسی و شیخ عبد الله بحرانی، این زیارت را مطلقه دانسته‌اند. خصوصاً این که سید مرتضی آنرا در همه ایام می‌خوانده است. (۱)

### از افقی دیگر:

هرکس در وادی عشق قدم نهد و بخواهد با سید الشهدا رابطه‌ای عمیق‌تر برقرار نماید، در همان حال می‌تواند زیارت ناحیه را بخواند.

در وادی عشق، زمان برداشتنند

در راه صفا، قید و مکان برداشتنند

تا حدیث عاشقی برپا کنند

در وصال عالیان، غوغا کنند

۱- برای توضیحات بیشتر به همراه نور، جلد ۱ رجوع شود.

## ۶ - سابقه صدور و مستند بودن زیارت ناحیه

زیارت ناحیه مقدسه ، زیارتی است که به امام حسین صلوات الله علیه اختصاص دارد و با سندهای صحیح و متعدد از امام زمان (عج) روایت شده است .  
این زیارت ، ابتدا توسط یکی از نایبان از «ناحیه مقدسه» امام زمان (عج) خارج شده است . آنگاه از طریق ایشان به یکی از مشایخ شیخ مفید و سپس به دست این بزرگوار رسیده است .  
زیارت ناحیه اولین زیارتی است که سید مرتضی علم الهدی رضوان الله تعالی علیه ، با آن امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است .<sup>(۱)</sup>

### نگاهی بر کلمات بزرگان :

● شیخ مفید که از عظمتی خاص برخوردار است و از فقهای بزرگ شیعه و رئیس امامیه در عصر خود بوده و بعلاوه، قدیمی ترین ناقل و نزدیکترین آنها به امام زمان (عج) می باشد، این زیارت را دارای سندهای مختلف و مروی (روایت شده از معصوم) می داند .

همچنین در ابتدای کتاب «المزار القدیم» فرموده : «از خدا می خواهیم که به ما توفیق دهد زبانمان «ادعیه مأثوره» را تکلم نماید... این منتخب برای «اقوال مرویه» وضع شده است».

۱ - این بحث ، بعنوان «سند و جایگاه زیارت» در جلد دوم همزه نور اثبات و تبیین شده است .

● سید مرتضی . اعتبار این زیارت از چنان استحکام و جلالی برخوردار بوده که مورد توجه سید مرتضی قرار گرفته و امام حسین را با آن زیارت کرده است .  
این عمل ، ضعف سند را جبران می کند، چه رسد به این که ضعفی در کار نبوده باشد.

● ابن مشهدی که عالمی موثق است ، در اوّل کتاب «المزار الکبیر» فرموده است : «فقط روایاتی را نقل می کنم که از طریق راویان موثق به ائمه متصل شده است» .  
یعنی : اگر راویان را ذکر ننموده به علت اختصار بوده است، نه این که راوی نداشته یا راوی ضعیف بوده است و نظائر اینها .  
همچنین فرموده است : «زیارت ناحیه مقدسه از ناحیه امام زمان صادر شده است» .

● صاحب مزار<sup>(۱)</sup> : «وهی مرویة باسانید مختلفه» .  
این عبارت نشان می دهد که زیارت ناحیه سندهای مختلف دارد و از معصوم روایت شده است .

● علامه مجلسی در ابتدای «تحفة الزائر» فرموده : «به نظر قاصر رسیده بود که با وجود زیارات منقوله از ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت [های] مؤلف علماء احتیاج نبود . خواست که رساله ای تألیف نماید که مقصود باشد بر ذکر زیارت و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین منقول گردیده است» .

همچنین در بحار فرموده است : «زیارت ناحیه مقدسه منقول و مروی است» .

۱ - نام مؤلف روشن نیست . این مزار با شماره ۴۶۲ در کتابخانه مرحوم آیت الله نجفی مرعشی (قم) موجود می باشد .

## ۷ - صحت صدور

آن سوزهای مخلصانه که با ناله‌های حزین همراه گشته و آکنده از اشک و آه گردیده و معارف بلندی که در عباراتی زیبا و موزون بیان شده و همراه با عشق در قالب زیارت ارائه گردیده است، همه حکایت از آن دارد که این زیارت، رشحهای از رشحات غم و اندوه جانکاه کسی است که تمام حوادث را با علم امامت دیده و با عمق جان لمس نموده است.

**گوش می‌خواهد ندای آشنا آشنا داند صدای آشنا<sup>(۱)</sup>**

آری! عظمت این مصیبت و ژرفای این فاجعه را او می‌داند که ولیّ الله الاعظم است و فرزند «ثارالله».

آن اطلاعات دقیق که با تعابیر ظریف بیان شده و فراتر از ظاهر، حال و هوای خاص حسینی را بدنبال دارد و هر خواننده‌ای را به وادی عشق می‌کشاند، از کدامین دانشمند می‌تواند صادر شود؟! به جز کسی که همه وقایع قبل و بعد، ظاهر و باطن عاشورا و عظمت مصیبت آن را در افق ملکوت دیده و درک نموده است؟

**قدر مجموعه گل، مرغ سحر داند و بس**  
**نه هر آن کو ورقی خواند، معانی دانست<sup>(۲)</sup>**  
**اگر گوش جان بسپاریم، ناله جانسوز حضرتش را**  
**خواهیم شنید و با او هم‌نوا خواهیم شد و هم‌ره نور.**

۱ - عُمّان سامانی، گنجینه الاسرار، ص ۹۶.

۲ - حافظ

## ای همسفر!

در زیارت، این تنها تو نیستی که گام بر می داری و پای در حریم یار می نهی. تو همراه نور ولایت هستی.

حال، خواه در خیابان بین الحرمین دست ارادت بر سینه داشته باشی یا در مقابل ضریح شش گوشه جگر گوشه زهرا علیها السلام العطش شیدائی سر دهی یا این که شانه هایت در یادآوری آن کودک شش ماهه به لرزه در آید و اشک ترا امان ندهد و یا به یاد خار مغیلان و سیلی بر زهرای سه ساله اشک ریزی و خواه در آرزوی دیدن قبر ابا عبدالله در گوشه ای از خانهات زیارت نامه را زمزمه کنی؛ این را به خاطر داشته باش که: مظلومی از تبار اهالی کوچه بنی هاشم، در رثای سالار شهیدان اشک می ریزد و جام واژه های اندوهگین جانش را بر قلبت عرضه می دارد و چه تکان دهنده است؛ آنجائی که مظلومی بر مظلومی بگرید و مولائی در غم مولائی بیارد.

و فراموش نکن که همراه با گل نرگس، بر گل زهرا اشک می باری و همنوا با مهدی فاطمه، در غم آسمانی صفتان عاشورائی، فغان سر می دهی. در خواندن زیارت ناحیه مقدسه از زبان مولای قائمت، حسین را صدا می زنی و با اقتدا بر مهدی فاطمه، گلهای سلام را به پای عاشورائیان عاشق می ریزی؛ پس آنگاه که در بهره های آسمانیت از این حضور نورانی، آسمان دیدگانت بهاری شد و اشک، صحیفه دلت را جلا داد، برای ظهور نگار ماه سیمای فاطمه دعا کن.



قال علی بن موسی الرضا علیه السلام :

يَا ابْنَ شَيْبٍ! إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لشيِّ

فَابْكِ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

يَا ابْنَ شَيْبٍ! إِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حَتَّى يَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ خَدَّيْكَ

غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ

امام رضا علیه السلام به ابن شیب فرمود:

اگر خواستی برای چیزی گریه کنی

برای حسین بن علی بن ابی طالب گریه کن.

ابن شیب! اگر به اندازه ای بر حسین گریه کنی

که اشک هایت بر گونه هایت جاری شود

خداوند تمام گناهان تو را می آمرزد.

### آداب و مقدمات زیارت در حرم

انسانی که امام خود را شناخته و عشق زیارتش جان او را شعله‌ور نموده است، لحظات تشرّف به حرّمش را، زمان وصال یار و محبوب خود می‌بیند. از اینرو خود را برای دیدار به گونه‌ای مهیّا می‌کند که آن محبوب، او را به گرمی بپذیرد و همواره در «توجّه» به امام و مولای خود سیر می‌نماید و قلبش به یاد او بی‌تاب و زبانش به ذکر خدا گویاست.

بدین جهت در روایات مختلف اعمال و اذکاری بیان شده است و شیفتگان، آنها را به نحو شایسته می‌آموزند و انجام می‌دهند. (۱)

۱ - همان طور که در صفحه ۳ بیان شد، مطالب این قسمت تا پایان این کتاب، حاصل کار تحقیقی جلد دوم است.

إذا أردت زيارة الحسين عليه السلام و عملت مقدماتها  
فادخل القبة و قف على القبر و قل :

### متن الزيارة

القسم الأول - السلام على الانبياء

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى شِيثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكِرَامَتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَدَّاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ  
عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ \* السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ  
الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النَّبُوءَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ \*  
السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

وقتی خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی و مقدمات آنرا انجام دادی، پس داخل حرم شو و نزد قبر بایست و بگو:

**متن زیارت**  
**بخش اول - سلام بر انبیاء**

سلام بر آدم، برگزیده خدا از میان آفریدگانش.

سلام بر شیث ولی خدا و برگزیده او.

سلام بر ادریس که برای خدا حجت او را پیا داشت.

سلام بر نوح که دعایش به اجابت رسید.

سلام بر هود که از جانب خدا و با یاری الهی حمایت شد.

سلام بر صالح که خداوند تاج کرامت خویش را بر سر او نهاد.

سلام بر ابراهیم که خدا دوستی خاص خویش را به او بخشید.

سلام بر اسماعیل که خدا ذبح عظیمی از بهشتش را فدای او نمود.

سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری را در نسل او قرار داد.

سلام بر یعقوب که خداوند با رحمت خویش، بینائیش را به او

بَصْرَهُ بِرَحْمَتِهِ \* السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي  
 نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ \* السَّلَامُ عَلَى  
 مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ لَهُ الْبَحْرَ بِقُدْرَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى عَزِيزٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ \*

باز گرداند.

سلام بر یوسف که خداوند به بزرگی خود، او را از چاه نجات داد.

سلام بر موسی که خداوند به قدرت خود، دریا را برایش شکافت.

سلام بر هارون که خداوند او را بواسطه پیامبریش فضیلت داد.

سلام بر شعیب که خدا او را بر اُمّتش، پیروز گرداند.

سلام بر داوود که خداوند از خطای او درگذشت.

سلام بر سلیمان که به سبب عزّتش، جن مطیع او شد.

سلام بر ایوب که خداوند او را از بیماریش شفا داد.

سلام بر یونس که خداوند پیمانش را برای او انجام داد.

سلام بر عَزْریر که خداوند او را پس از مرگش دوباره زنده گردانید.

سلام بر زکریّا که در گرفتاری خویش شکیباً بود.

سلام بر یحیی که خداوند او را به سبب شهادتش، منزلت داد.

سلام بر عیسی، روح خدا و کلمه او.

سلام بر محمد دوست و برگزیده خدا.

## القسم الثاني - السلام على الاولياء

- السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ  
 أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأَخُوْتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْأَجَابَةِ تَحْتَ قُبَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى \*  
 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى \*

بخش دوم - سلام بر اولیاء

سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب ، که بواسطه برادری با رسول خدا ﷺ مقامی خاص یافت .

سلام بر فاطمه زهرا ، دختر رسول خدا .

سلام بر ابو محمد ، حسن بن علی که وصی و جانشین پدرش بود .

سلام بر حسین که خونش را [در راه دین] بخشید .

سلام بر کسی که خدا را در نهان و آشکار فرمانبری کرد .

سلام بر آن که خداوند ، شفای بیماری‌ها را در تربت او قرار داد .

سلام بر کسی که در زیر گنبد حرمش ، دعا مستجاب است .

سلام بر آن که امامان از نسل اویند .

سلام بر فرزند خاتم پیامبران .

سلام بر فرزند سرور اوصیاء .

سلام بر فرزند فاطمه زهراء .

سلام بر فرزند خدیجه کبری .

سلام بر فرزند سدرۃ المنتهی . (۱)

سلام بر فرزند جنۃ المأوی [بهشت پناهگاه].

۱ - «سدرۃ» نام درختی در بهشت است . «منتهی» حد صعود است . جبرائیل در شب معراج نتوانست از این درخت بالاتر برود . ولی رسول خدا بالاتر رفت و از اینرو به جای نام پیامبر ، مقام آنرا آورده‌اند .



- السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْرَمٍ وَ الصَّافَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدِّمَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِيَاءُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَّةِ السَّادَاتِ \*

سلام بر فرزند زمزم و صفا .

سلام بر پیکر آغشته به خون .

سلام بر آن که به خیمه گاهش بی حرمتی شد .

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء .

سلام بر غریبِ غریبان .

سلام بر شهیدِ شهیدان .

سلام بر کشته شده بدست افراد بی اصل و نسب .

سلام بر ساکنِ کربلاء .

سلام بر کسی که فرشتگانِ آسمان بر او گریستند .

سلام بر کسی که پاکان از نسل اویند .

سلام بر پیشوای دین .

سلام بر جایگاه‌های برهان‌ها و حُجَّت‌های الهی .

سلام بر پیشوایانِ شرافتمند و بزرگوار .<sup>(۱)</sup>

۱ - این دو سلام ، مربوط به همهٔ ائمه است و بدین ترتیب ، به همهٔ امامان سلام داده می شود .

## القسم الثالث - السّلامُ على عاشورائين

- السّلامُ على الجُيُوبِ المُضَرَّجاتِ \*
- السّلامُ على الشِّفاهِ الذّابِلاتِ \*
- السّلامُ على النُّفُوسِ المُصْطَلَماتِ \*
- السّلامُ على الأرواحِ المُختَلَساتِ \*
- السّلامُ على الأَجْسادِ العارِياتِ \*
- السّلامُ على النُّحُورِ الشّاخِباتِ \*
- السّلامُ على الدِّماءِ السّائِلاتِ \*
- السّلامُ على الأَعْضاءِ المُقْطَّعاتِ \*
- السّلامُ على الرُّؤُوسِ المُشالاتِ \*
- السّلامُ على النِّسوةِ البارِزاتِ \*
- السّلامُ على حُجَّةِ رَبِّ العالَمينِ \*
- السّلامُ عَلَيْكَ وَ على ابائِكَ الطّاهِرِينِ \*
- السّلامُ عَلَيْكَ وَ على ابنائِكَ المُسْتَشْهِدِينِ \*
- السّلامُ عَلَيْكَ وَ على ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينِ \*

بخش سوم - سلام بر عاشورائیان

سلام بر آن گریبان‌های چاک خورده .

سلام بر آن لبهای خشکیده .

سلام بر آن جان‌های بلا دیده .

سلام بر آن روح‌های [از بدن] خارج شده .

سلام بر آن بدن‌های برهنه .

سلام بر آن گلوهای فوران زنده خون .

سلام بر آن خون‌های جاری شده .

سلام بر آن اعضای تکه تکه شده .

سلام بر آن سرهای بالای نیزه رفته .

سلام بر آن زنان آشکار [از درون خیمه‌ها بیرون آمده] .

سلام بر حجّت پروردگار جهانیان .

سلام بر تو [ای حسین بن علی] و بر پدران پاک تو .

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت .

سلام بر تو و بر نسلت که یاری کننده [دین] اند .

- \* السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلِيبَةِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْعُتْرَةِ الْغَرِيبَةِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ الثَّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ \*  
 \* السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ \*

سلام بر تو و بر فرشتگان هم آغوش تو [در آرامگاهت].

سلام بر کشته شده مظلوم.

سلام بر برادر مسمومش.

سلام بر علی اکبر.

سلام بر شیر خوار کوچک.

سلام بر بدنهایی که جامه و تجهیزاتشان به غارت رفته.

سلام بر اهل بیت غربت زده.

سلام بر به خاک افتادگان در بیابان.

سلام بر دور افتادگان از وطن.

سلام بر دفن شدگان بی کفن.

سلام بر سرهای جدا شده از بدن.

سلام بر حسابگر شکیبا.

سلام بر ستمدیده بی یاور.

سلام بر جای گرفته در خاک پاک.

سلام بر صاحب آن گنبد بلند مرتبه،

- السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَحَرَ بِهِ جِبْرَائِيلُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكِثَتْ ذِمَّتُهُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتَكَتْ حُرْمَتُهُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى \*  
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتَيْنِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِالْمُعِينِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ \*

سلام بر کسی کہ خدای بزرگ او را پاک و مطہّر گردانید .

سلام بر کسی کہ جبرئیل بہ او افتخار می کرد .

سلام بر کسی کہ میکائیل با او در گہوارہ گفتگو نمود .

سلام بر کسی کہ عہد و پیمانہش شکستہ شد .

سلام بر کسی کہ حُرمتش شکستہ شد .

سلام بر کسی کہ خونش بہ ستم ریختہ شد .

سلام بر آن کہ با خونِ زخم‌ہایش غُسل دادہ شد .

سلام بر آن کہ جرعہ نوش جام نیزہ‌ہا گردید .

سلام بر مظلومی کہ خونش مباح شمردہ شد .

سلام بر آن کہ سرش را در ملأ عام بریدند .

سلام بر آن کہ روستائیان [قبیلۂ بنی اسد] بدنش را دفن نمودند .

سلام بر شاہرگ بریدہ شدہ .

سلام بر کسی کہ در حمایت از دین ، بی‌یاور ماند .

سلام بر محاسن بہ خون رنگ شدہ .

سلام بر گونهٔ خاک آلودہ .



السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيْبِ \*

السَّلَامُ عَلَى الشَّعْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيْبِ \*

السَّلَامُ عَلَى الْوَدَجِ الْمَقْطُوعِ \*

السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ \*

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ،

تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهَا

السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ \*

سلام بر بدنی که جامه و تجهیزاتش به غارت رفت .

سلام بر دندانی که چوب خیزران بر آن نواخته شد .

سلام بر رگ بریده شده .

سلام بر سر بالای نیزه رفته .

سلام بر پیکرهائی که در بیابانها [ی کربلاء] عریان مانده بود .

[در حالی که هنگام شهادت] گُرگ های تجاوزگر [بنی امیه]

تکه پاره شان می کردند و درندگان خونخوار [کوفیان]

اطرافشان رفت و آمد می نمودند .

## القسم الرابع - كيفية السلام على الامام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ  
 الْمُرْفَرِفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ ، الْخَافِينَ بِتُرْبَتِكَ ،  
 الطَّائِفِينَ بِعَرَصَتِكَ ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ \*  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ . فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ ، وَ رَجَوْتُ  
 الْفَوْزَ لَدَيْكَ \*

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ ،  
 الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ ،  
 الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ \* سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ  
 مَقْرُوحٌ ، وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ \*  
 سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ ، الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ \*  
 سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ ، لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ  
 حَدَّ السُّيُوفِ وَ بَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ وَ  
 جَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَ نَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ ،  
 وَ فَدَاكَ بِرُوحِهِ وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ ،

## بخش چهارم - کیفیت سلام به امام

سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانِ بال‌گشاده اطراف بارگاهت،  
حلقه زننده بر تربت پاکت، طواف کننده در سرای آستانت،  
وارد شونده [بدان مکان شریف] برای زیارت تو.

سلام بر تو! من به سوی تو رو آورده‌ام و امید رستگاری در  
پیشگاه تو را دارم.

سلام بر تو، سلام کسی که به حرمت تو آشناست،  
در ولایت تو اخلاص دارد، با محبت تو بسوی خدا تقرب  
می‌جوید، از دشمنان تو بیزار است.

سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه‌دار و اشکش با یاد تو  
جاری است.

سلام دردمند اندوهگین، سرگشته و زمین گیر شده.

سلام کسی که اگر با تو در کربلا می‌بود، با جانش در برابر تیزی  
شمشیرها از تو حافظت می‌کرد و باقیمانده عمرش را برای  
حفظ تو به مرگ می‌سپرد و در رکاب تو جهاد می‌کرد و تو را  
علیه کسانی که بر تو ستمگرانه شوری‌دند، یاری می‌داد  
و جان و تن و دارائی و فرزند خویش را فدای تو می‌کرد.

وَ رُوْحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَ أَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً \*  
 فَلَيْنُ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ، وَ عَاقَبَنِي عَنْ نَصْرِكَ المَقْدُورُ،  
 وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ  
 العِدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً،  
 وَ لِأَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا،  
 حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَ تَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَ تَلَهُّفًا،  
 حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ المُصَابِ، وَ غُصَّةِ الإِكْتِيَابِ \*

و [اساساً] جانش فدای جان تو و اهل بیتش سپر بلای اهل بیت تو است.

پس اگر زمانه [تولد] مرا به تأخیر انداخت ، و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و با آنان که با تو جنگیدند ننگیدم و با کسانی که با تو دشمنی کردند ، دشمنی نکردم [در عوض اینک] هر صبح و شام بر تو شیون می کنم و به جای اشک ریختن بر تو ، خون می گیریم ؛ از روی حسرت بر [یاری نکردن] تو و تأسف بر مصیبت هائی که ترا گرفتار کرد و از شدت اندوه [و آنقدر غمناک می نالم] تا در اثر سوز جانفرسا و غصه جانکاه ، جان سپارم .

## القسم الخامس - صفات الامام الحسين

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ ،  
 وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
 وَ الْعُدْوَانَ ، وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ مَا عَصَيْتَهُ ، وَ تَمَسَّكَتَ  
 بِهِ وَ بِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ ، وَ خَشِيتَهُ وَ رَاقَبْتَهُ  
 وَ اسْتَحْيَيْتَهُ ، وَ سَنَنْتَ السُّنَنَ ، وَ أَطْفَأْتَ الْفِتْنَ ،  
 وَ دَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ ، وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ ،  
 وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ ❁

وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا ، وَ لِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَ آلِهِ تَابِعًا ، وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا ، وَ إِلَى وَصِيَّتِهِ  
 أَخِيكَ مُسَارِعًا ، وَ لِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا ، وَ لِلطُّغْيَانِ  
 قَامِعًا ، وَ لِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا ، وَ لِلأُمَّةِ نَاصِحًا ،  
 وَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا ، وَ لِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا ،  
 وَ بِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا ، وَ لِإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ  
 رَاحِمًا ، وَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا ، وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا ،

## بخش پنجم - اوصاف امام حسین

گواهی می‌دهم که تو نماز را بیاداشتی و زکات دادی .  
و [مردم را] به نیکی فرمان دادی و از زشتی و تجاوز بازداشتی .  
و خدا را اطاعت کردی و نافرمانی اش نکردی .  
و به او و ریسمانش چنگ زدی تا آن جا که او را خشنود ساختی  
و از او ترسان بودی و از فرمان او مراقبت می‌کردی و از او  
شرم داشتی [که در امرش کوتاهی کنی] .  
و سنت‌های نیکو را بوجود آوردی و آتش فتنه‌ها را خاموش  
ساختی و مردم را بسوی هدایت و کمال فراخواندی .  
و راههای استوار را روشن کردی ، و در راه خدا آن طور که  
سزاوار بود ، جهاد نمودی .  
و تو فرمانبر خدا و پیرو جدّت ، حضرت محمد - که درود خدا بر  
او و بر اهل بیتش باد - و شنوای فرموده‌های پدرت و شتابان در  
اجرای وصیّت برادرت بودی .  
برافرازنده ستون دین و نابود کننده گردنکشی و در هم کوبنده  
تجاوزگران و نصیحت کننده امت بودی .  
و در گردابهای مرگ شناور گشتی و با فاسقان مبارزه کردی .  
حجّت‌ها و براهین الهی را برپا داشتی و دلسوز اسلام و مسلمین  
و یاری کننده حق ، و در هنگام سختی و بلا شکیبا بودی .



و لِلدِّينِ كَالِئاً ، وَ عَنِ حَوْرَتِهِ مُرَامِيَاً ، تَحُوطُ  
 الْهُدَى وَ تَنْصُرُهُ ، وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ ،  
 وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تُظْهِرُهُ ، وَ تَكْفُ الْعَايِثَ وَ تَرْجُرُهُ ،  
 وَ تَأْخُذُ لِلدِّينِي مِنَ الشَّرِيفِ ، وَ تُسَاوِي فِي  
 الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَ الضَّعِيفِ \*

كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ ، وَ عِصْمَةَ الْأَنَامِ ، وَ عِزَّ  
 الْإِسْلَامِ ، وَ مَعْدِنَ الْأَحْكَامِ ، وَ حَلِيفَ الْإِنْعَامِ ،  
 سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ وَ أَبِيكَ ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ  
 لِأَخِيكَ ، وَ فِي الدِّمَمِ ، رَضِيَ الشِّيمِ ،  
 ظَاهِرَ الْكَرَمِ ، مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ ،  
 كَرِيمَ الْخَلَائِقِ ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ ، شَرِيفَ النَّسَبِ ،  
 مُنِيفَ الْحَسَبِ ، رَفِيعَ الرَّتَبِ ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ ،  
 مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ \*

حَلِيمٌ رَشِيدٌ ، مُنِيبٌ جَوَادٌ ، عَلِيمٌ شَدِيدٌ ،  
 إِمَامٌ شَهِيدٌ ، أَوَاهٌ مُنِيبٌ ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ \*

حفظ کننده دین و مدافع حریم آن بودی .  
 [جاده] هدایت را نگاهبانی کرده و یاریش نمودی .  
 عدالت را گسترش و نشر دادی .  
 دین را یاری نموده و آنرا آشکار ساختی .  
 کسانی که دین را به بازیچه گرفته بودند منع کرده و [از ادامه  
 راه خود] بازشان داشتی .  
 حقوق ضعیفان را از قدرتمندان گرفتی ، و در قضاوت ، توانا و  
 ناتوان را یکسان شمردی .  
 تو بهار یتیمان ، حافظ و پناه مردم ، مایه سربلندی اسلام و  
 جایگاه احکام الهی و هم پیمان بخشش و احسان بودی .  
 تو پوینده راه و روش های جدّ بزرگوار و پدر گرامیت و در  
 توصیه به نیکی ها همانند برادرت بودی .  
 وفادار به تعهدات و پیمانها و دارای خصلت های پسندیده و  
 گرمی آشکار بودی .  
 شب زنده دار در تاریکی ها ، صاحب روشهای استوار و  
 منشهای بزرگوارانه هستی .  
 دارای گذشته های درخشان ، نسب شرافتمند و حسب والا و  
 صاحب رتبه های عالی و فضائل بسیار هستی .  
 سرشتهای پسندیده و بخشش های فراوان داشتی .  
 تو بردبار کمال یافته هستی . [از عمل بد مردم] پناه برنده به خدا  
 هستی . [نه تنها از کارهای زشت مردم می گذری ، بلکه] به آنها  
 کرامت و بزرگی می دهی .  
 تو دانا و مقاوم ، پیشوا و شهید هستی . نالان و زاری کننده در  
 پیشگاه خدا ، دوست داشتنی و باجلال می باشی .

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ ،  
 وَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا ، وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا ،  
 حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ ،  
 بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَ الشُّجُودِ ،  
 زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا ، نَاطِرًا إِلَيْهَا  
 بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا ، آمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةً ،  
 وَ هِمَّتِكَ عَنْ زِيَّتِهَا مَصْرُوفَةً ، وَ الْحَاطِكَ عَنْ  
 بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةً ، وَ رَغْبَتِكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةً \*

تو فرزند پیامبر ﷺ هستی .

برای قرآن پشتوانه و برای امت بازوی توانا و در اطاعت خدا بسیار کوشائی .

نگهبان عهد و پیمانی و از شیوه‌های عملکرد گناهکاران و فاسقان رویگردان بودی . با نهایت توان ، کوشش نمودی . رکوعها و سجده‌های طولانی داشتی .

در دنیا همچون کسانی که کوچ کننده از دنیا هستند، زهد داشتی . به دنیا نگرستی با دید ترسندگان از آن .

آرزوهایت از تعلق به دنیا بازداشته شده [و از آن دل کنده بودی] . و اهتمامت از زینت‌های دنیوی برگردانده شده بود . و نگاههایت از سرور و شادمانی آن برگشته بود . و اشتیاق تو به سرای آخرت ، شهره آفاق بود .

## القسم السادس - أرضية الثورة

حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ ، وَ أَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ ،  
 وَ دَعَا الْغَىُّ أَتْبَاعَهُ ، وَ أَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ ،  
 وَ لِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَ الْمِحْرَابِ ،  
 مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ ، تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ  
 بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ إِمْكَانِكَ ، \*  
 ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ ، وَ لَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ  
 الْفُجَّارَ \*

فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَ أَهَالِيكَ ، وَ شَيْعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ ،  
 وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَ الْبَيِّنَةِ ، وَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ  
 بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ، وَ أَمَرْتَ بِإِقَامَةِ  
 الْحُدُودِ ، وَ طَاعَةِ الْمَعْبُودِ ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ  
 وَ الطُّغْيَانِ ، وَ وَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ \*

## بخش ششم - زمینه قیام

[تو این چنین بودی] تا آن که ستم دست تعدی دراز کرد و ظلم و بیداد، نقاب از چهره برافکند و ضلالت و گمراهی، پیروان خویش را فراخواند.

[این اعمال زشت و تجاوز گرانه انجام شد] در حالی که تو در حرم جدت سکونت داشتی و از ستمکاران دوری گزیده، مونس خانه خدا و محراب عبادت گشته، از لذتها و شهوتها بریده بودی.

به قدر توانایی و امکانات خویش منکر را با قلب و زیانت انکار نمودی.

[و در هر حال، آن گستاخی‌ها در حضور تو بود و آنها حیا نکردند و به کار خود ادامه دادند و باز تو در صدد اصلاح بدون قیام بودی]. تا اینکه علم [پیدا کردی که اصلاح کلامی ثمر بخش نیست و در نتیجه، این علم که به تناسب شرائط موجود و تکلیف الهی بود] تو را برای انکار [یزید] مصمم گردانید و تو را ملزم نمود که با فاجران و بدکاران به جهاد برخیزی.

پس همراه با فرزندان و خویشانت و پیروان و دوستدارانت حرکت کردی.

حق را با دلائل قطعی روشن ساختی و [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو بسوی خدا دعوت کردی و به برپائی حدود الهی و فرمانبری از پروردگار فرمان دادی و از کارهای ناپسند و سرکشی بازداشتی، ولی آنها با ستم و دشمنی به مقابله با تو برخاستند.

## القسم السابع - مجاهدة و استشهاده سيد الشهداء

فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيعَازِ إِلَيْهِمْ وَ تَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ \*  
 فَكَثُرُوا ذِمَامَكَ وَ بَيْعَتَكَ، وَ أَسْخَطُوا رَبَّكَ وَ جَدَّكَ،  
 وَ بَدَأُواكَ بِالْحَرْبِ \* فَثَبَّتَ لِلطَّعْنِ وَ الضَّرْبِ،  
 وَ طَحَنَتْ جُنُودَ الْفُجَارِ، وَ اقْتَحَمَتْ قَسَطَ الْغُبَارِ،  
 مُجَالِدًا بِدِي الْفَقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَيَّ الْمُخْتَارُ \*  
 فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَ لَا خَاشِ،  
 نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَ قَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَ  
 شَرِّهِمْ، وَ أَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَ  
 وَرُودَهُ وَ نَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَ عَاجَلُوكَ النَّزَالَ وَ  
 رَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ وَ النَّبَالِ، وَ بَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ  
 الْإِصْطِلَامِ، وَ لَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمَامًا، وَ لَارَاقَبُوا فِيكَ  
 أَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَ نَهَبِهِمْ رِحَالَكَ \*  
 وَ أَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَ مُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ،  
 قَدْ عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ \*

## بخش هفتم - مجاهدت و شهادت سید الشهداء

[دشمن ظالمانه برخورد کرد ، با این وجود] تو موعظه و حکمت را مقدم داشتی و اتمام حجت نمودی ، آنگاه با آنان مجاهدت کردی . پس آنان احترام و بیعت تو را شکستند و پروردگار و جدّت را به خشم آوردند و جنگ با تو را آغاز کردند . پس تو برای نیزه زدن و پیکار ، استوار بپاخاستی و لشکریان معصیت پیشه را در هم پیچیدی و در گرد و غبار نبرد ، دلیرانه فرورفتی و آنچنان با ذوالفقار شمشیر می زدی که گویا تو همان علیّ برگزیده خدا هستی .

پس وقتی تو را با قلبی مطمئن و این چنین دلیر و بی باک یافتند ، دام‌های مرگ آفرین مکرشان را بر سر راهت نهادند و با نیرنگ و شرارتشان به جنگ با تو ادامه دادند و آن ملعون به لشکریانش دستور داد تا تو را از آب و ورود به آن بازداشتند ، و دامنه جنگ با تو را شدید نمودند و به مبارزه با تو سرعت بخشیدند و نیزه بارانت کردند و دستهای بنیاد برانداز را بسویت دراز کردند و هیچ تعهدی را رعایت نکردند و در کشتن دوستان و غارت اهل بیت تو ، از هیچ تجاوزی خودداری نکردند . و تو همچنان در گرد و غبار میدان ، به پیش می تاختی و ناملایمات را تحمل می کردی ، تا آنجا که فرشتگان آسمانها از صبر و استقامت تو در شگفت شدند .



فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَ أَثَخَنُوا بِالجِرَاحِ،  
 وَ حَالُوا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الرَّوَّاحِ، وَ لَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ،  
 وَ أَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَدُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَ أَوْلَادِكَ \*  
 حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الأَرْضِ  
 جَرِيحاً، تَطَأُوكَ الخِيُولُ بِحَوَافِرِهَا، وَ تَعْلُوكَ  
 الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا \*

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَ اخْتَلَفَتْ بِالِانْقِبَاضِ وَ  
 الإِنْبِسَاطِ شِمَالُكَ وَ يَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا  
 إِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ، وَ قَدْ شُغِلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ  
 وُلْدِكَ وَ أَهَالِيكَ، وَ أَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى  
 خِيَامِكَ، قَاصِدًا مُحْمِحًا بِأَكْيَاسِكَ \*

فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْرِيًّا، وَ نَظَرْنَ  
 سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا، بَرَزْنَ مِنَ الخُدُورِ،  
 نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الخُدُودِ، لِأَطْمَاتِ الوُجُوهِ،  
 سَافِرَاتِ، وَ بِالعَوِيلِ دَاعِيَاتِ، وَ بَعْدَ العِزِّ مُذَلَّلَاتِ،  
 وَ إِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ \*

پس دشمنان از هر طرف تو را محاصره کردند و با زخمهای فراوان تو را از توان انداختند و راه نجات را بر تو بستند .

و [این در حالی بود که] برای تو یاوری نمانده بود و تو همه چیز را به حساب [آینده اسلام] گذاشته و [در تحمل سختی‌ها] صابر بودی و از زنان حرم و فرزندان دفاع می‌نمودی، تا این که تو را از اسب سرنگون ساختند و با بدنی مجروح بر زمین افتادی . آنگاه اسبها تو را با سم‌های خود لگد کوب کردند، و تجاوز پیشگان تو را با شمشیر هایشان ضربه می‌زدند.

[تا اینکه] عرق مرگ بر پیشانی‌ات نشست، و طرف راست و چپ بدنت [با نفسهای کند] منقبض و منبسط شد و تو آرام با گوشه چشم بسوی حرم و خیامت نظر می‌کردی و سرانجام به خود [سختی‌های مرگ] مشغول شدی و از دیدن فرزندان و اهل بیت خویش باز ماندی .

و اسب تو برای خبردار کردن [اهل بیت از شهادت] شیون‌کنان و گریان بسوی خیمه‌های شتافت .

آنگاه که بانوان حرم، اسب تو را بلا زده دیدند و زین تو را بر آن واژگون یافتند، از پس پرده خیمه‌ها بیرون آمدند در حالی که گیسوانشان را بر چهره‌ها پریشان ساخته و سیلی بر صورتهای بازشان می‌زدند و شیون زنان و گریه‌کنان تو را صدا می‌کردند و آنان پس از عمری عزت، با ذلت و درماندگی به سوی قتلگاه تو شتابان در حرکت بودند .

وَ شِمْرٌ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، مُوَلِّغٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ،  
 قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ \*  
 قَدْ سَكَنْتَ حَوَآسُكَ، وَ خَفَيْتَ أَنْفَاسُكَ \*  
 وَ رَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَ سَبَى أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ،  
 وَ صَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ،  
 تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي  
 الْبَرَارِي وَ الْفَلَوَاتِ، أَيْدِيهِمْ مَعْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ،  
 يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ \*

و [در همین زمان] شمر بر سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلویت گذاشته، با دست پلیدش، محاسن شریف تو را گرفته بود و با شمشیر تیزش ذبح کننده تو بود.

در این هنگام درک و احساس از کار افتاد و نفس‌هایت ناپدید شد و لحظاتی بعد سرت بالای نیزه قرار گرفت.

و اهل و عیالت همچون بردگان به اسارت در آمدند.

و بر بالای جهاز شتران، در غل و زنجیر به بند کشیده شدند.

در حالی که شدت حرارت آفتاب سوزان در روزهای دراز تابستان چهره‌هاشان را می‌سوزاند، در صحراها و بیابان‌ها به جلو رانده می‌شدند. [و آنگاه که به شهرها می‌رسیدند] در حالی که دست‌هایشان با زنجیر به گردن‌هایشان بسته شده بود، در بازارها چرخانده می‌شدند.

## القسم الثامن - آثار فقد الامام

فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ ،  
 وَ عَطَّوْا الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ ، وَ نَقَضُوا الشُّنْنَ وَ  
 الْأَحْكَامَ ، وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ ، وَ حَرَّفُوا  
 آيَاتِ الْقُرْآنِ ، وَ هَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ \*  
 لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ  
 أَجْلِكَ مَوْثُورًا ، وَ عَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ  
 مَهْجُورًا ، وَ عُوِدَرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا \*  
 وَ فَقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَ التَّهْلِيلُ ، وَ التَّحْرِيمُ وَ  
 التَّحْلِيلُ ، وَ التَّنْزِيلُ وَ التَّأْوِيلُ ، وَ ظَهَرَ بَعْدَكَ  
 التَّغْيِيرُ وَ التَّبْدِيلُ ، وَ الْأَلْحَادُ وَ التَّعْطِيلُ ،  
 وَ الْأَهْوَاءُ وَ الْأَضَالِيلُ ، وَ الْفِتْنُ وَ الْأَبَاطِيلُ \*

## بخش هشتم - آثار فقدان امام

پس وای بر این سرکشان تبه‌کار که با کشتن تو، اسلام را کشتند، و نماز و روزه را بی‌بهره نمودند و سنت‌های الهی و احکام دین را شکستند، و پایه‌های ایمان را ویران نمودند، و آیه‌های قرآن را تحریف کردند و در ظلم و تجاوز پیش تاختند. همانا رسول خدا ﷺ بخاطر [شهادت] تو، مظلوم واقع شد و منزوی گردید. و کتاب خدای عزّ و جل کنار نهاده شد. و چون تو مقهور و مغلوب گشتی، حق و حقیقت مورد خیانت قرار گرفت.

و با فقدان تو ذکر تکبیر [الله اکبر] و تهلیل [لا اله الا الله] و حرام و حلال خدا و تنزیل [قرآن] و تأویل آن ناپدید گشت. [مفاهیم عالیّه این امور در جامعه محو گردید و بجای آن، قالبی بی‌محتوا بر جای ماند].

و پس از تو تغییر و دگرگونی [در احکام خدا]، کفر، بی‌دینی، و انهادگی سنت‌های الهی، هوی و هوس‌ها، گمراهی‌ها، فتنه‌ها و باطل‌ها ظاهر گشت.

## القسم التاسع - عزاء الكون

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ بِالِدَّمْعِ الْهَطُوطِ،  
 قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ !! قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ،  
 وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسُبِيَتْ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ،  
 وَوَقَعَ الْمَحْدُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ، \*  
 فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَاهُ بِكَ  
 الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الرَّهْرَاءُ،  
 وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي  
 أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ \* وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي  
 أَعْلَى عِلِّيِّينَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ،  
 وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَالْجِبَالُ وَخُرَّانُهَا،  
 وَالْهِيضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا،  
 وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ،  
 وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْحَرَامُ \*

## بخش نهم - عزاداری هستی

پس خبر دهنده شهادت تو ، نزد قبر جدّ بزرگوارت ، رسول خدا ﷺ ایستاد و با اشک ریزان خبر شهادت تو را به او داد و گفت ای رسول خدا ! نوه جوانمردت کشته شد !

و حرمت اهل بیت و حریم تو شکسته و مباح شمرده شد .

و فرزندان تو پس از تو به اسارت گرفته شدند .

و مصائب و ناگواریها بر خانواده و بستگان تو وارد گشت .

پس رسول خدا پریشان و آشفته شد و قلب نالانش گریست و فرشتگان و پیامبران بخاطر شهادت تو به او تسلیت گفتند .

و مادرت حضرت زهرا در ماتم تو مصیبت زده و عزادار شد و سپاه فرشتگان مقرب خدا به آمد و رفت پرداختند .

به پدرت امیرالمؤمنین تسلیت گفتند .

و برای تو مجالس ماتم در عالم ملکوت [اعلیٰ علین] به پا شد .

و [در عزای تو] حور العین سیلی بر صورت زدند .

آسمان و ساکنانش ، کوهها و گنجینههای آنها ، تپهها و دامنهها و دشتهای آنها ، دریاها و ماهیانشان ، جنیان و فرزندانشان ، خانه خدا ، مقام ابراهیم ، مشعرالحرام ، حرم بیت الله و تمامی زمین گریستند .



## القسم العاشر - الدعاء والتوسل

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ ، صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ ،  
 وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ \*  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ،  
 وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ \*  
 بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ \*  
 وَ بِأَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ \*  
 الْعَالِمِ الْمَكِينِ ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ \*  
 وَ بِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ \*  
 وَ بِالْحَسَنِ الرَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ \*  
 وَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ \*  
 وَ بِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ ، وَ بِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ \*  
 وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ \*  
 وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَّابِينَ \*

## بخش دہم - دعا و توسل

خدایا! بہ حرمتِ این مکانِ رفیع، بر محمد و آلِ او رحمت فرست،  
 و مرا با آنان محشور فرما و بہ شفاعت آنها داخلِ بہشت گردان.  
 بارالہا! ای سریعترین حسابگران و ای کریمترین گریمان و  
 ای برترین حاکمان، بہ تو توسل می جویم کہ:

بہ حقّ محمد، خاتم پیامبران و فرستادہ تو بسوی تمامِ جهانیان  
 و بہ حقّ برادر و پسرعمویش؛ آن بزرگترین اہل سرّ و دانای  
 اسرار؛ علیّ امیر مؤمنان

و بہ فاطمہ، سرور بانوانِ جهانیان

و بہ حسنِ پاک کہ پناہگاہِ متّقین است

و بہ ابي عبدالله الحسين، گرامی ترین شهید و بہ فرزندانِ

مقتولش و بہ خانوادہٴ مظلومش

و بہ علی بن الحسين، زینت عابدان

و بہ محمد بن علی، اسوہٴ توبہ کنندگان

وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ \*  
 وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهَرِ الْبَرَاهِينِ \*  
 وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ \*  
 وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ \*  
 وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ \*  
 وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ \*  
 وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ \*

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ  
 الْأَبْرِيَّينَ، آلِ طِهْ وَ يَسَ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ  
 مِنْ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ، الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ  
 الْمُسْتَبَشِرِينَ \*

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَ الْحَقِّي بِالصَّالِحِينَ،  
 وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ،  
 وَ انصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَ اكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ،  
 وَ اصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ،

و به جعفر بن محمد، راستگوترین صادقان

و موسی بن جعفر، آشکارکننده دلائل و براهین

و علی بن موسی، یاور دین

و محمد بن علی، أسوه هدایت یافتگان

و علی بن محمد، زاهدترین پارسایان

و حسن بن علی، وارث جانشینان

و حُجَّتِ خدا بر تمام آفریدگان

بر محمد و آل او؛ آن راستگویان نیکوکار، همان آلِ طه و یس

درود فرستی و مرا در قیامت از جمله آسوده خاطران و آرامش

یافتگان قرار دهی که آنان همان رستگاران و شادمانان و

بشارت یافتگان هستند.

خدایا! نام مرا در زمره مسلمانان بنویس و مرا به صالحان

ملحق فرما و برایم در میان آیندگان خوش نامی قرار ده.

و در مبارزه با ستمکاران یاری کن و از نیرنگ حسد و رزان

حفظ فرما و حیلۀ مکرکنندگان را از من برگردان

وَ اقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ  
بَيْنَ السَّادَةِ المَيَامِينَ فِي أَعْلَى عَلِيَّينَ ، مَعَ الَّذِينَ  
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ

وَ الصَّالِحِينَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِبَيْتِكَ المَعْصُومِ ،

وَ بِحُكْمِكَ المَحْتُومِ ، وَ نَهْيِكَ المَكْتُومِ ، وَ بِهَذَا

القَبْرِ المَلْمُومِ ، المَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ الإِمَامُ المَعْصُومُ ،

المَقْتُولُ المَظْلُومُ ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الغُومِ ،

وَ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ القَدَرِ المَحْتُومِ ، وَ تُجِيرَنِي

مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ \*

اللَّهُمَّ جَلِّبْنِي بِنِعْمَتِكَ ، وَ رَضِّنِي بِقِسْمِكَ ،

وَ تَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ ، وَ بَاعِدْنِي مِنَ

مَكْرِكَ وَ نِقْمَتِكَ \*

اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ ، وَ سَدِّدْنِي فِي القَوْلِ

وَ العَمَلِ ، وَ افْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الأَجَلِ ،

و دست ظالمان را از من دور دار  
و در عالم ملکوت [اعلیٰ علیین] مرا با سروران خجسته‌ام و  
همراه با کسانی که به آنان نعمت داده‌ای؛ پیامبران و صدیقان و  
شهیدان و صالحان جمع فرما. ای مهربانترین مهربانان.  
خدایا! به حقّ پیامبر معصومت، و به حکم قطعی‌ات و به نهی  
پوشیده‌ات و به این قبر شریف که مردم [برای زیارت] به این  
جا آمده و تجمع کرده‌اند و در میانش امام معصوم و مقتول و  
مظلوم آرمیده است، تو را سوگند می‌دهم که آنچه از غم و  
اندوه در دل دارم، برطرف ساز.  
و شرّ مقدرات قطعی را از من برگردان و مرا از آتش سوزان  
جهنم حفظ کن.  
پروردگارا! مرا به نعمت خویش، جلالت و بزرگی بخش.  
و به روزی و عطای خویش راضی گردان و به جود و کرم خود  
مرا اصلاح نما و از مکر و انتقام خود دورم بدار.  
خدایا! مرا از لغزشها حفظ نما و در گفتار و کردار استوار گردان.  
و در دوران زندگانی برایم گشایش قرار ده.

وَ أَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَ يَلْغِنِي بِمَوَالِي وَ  
بِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ \* ❁

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي،  
وَ ارْحَمْ عِبْرَتِي، وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَ نَقِّسْ كُرْبَتِي،

وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي \* ❁  
اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ،

وَ الْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَ لَاعِيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ،  
وَ لَأَغْمًا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَ لَارِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ،

وَ لَأَجَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ، وَ لَأَفْسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ،  
وَ لَأَأْمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَ لَأَدْعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ،

وَ لَأَمْضِيْقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَ لَأَشْمَلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ،  
وَ لَأَأْمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ، وَ لَأَمَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ،

وَ لَأَخْلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ، وَ لَأِنْفَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ،  
وَ لَأَحَالَ إِلَّا عَمَرْتَهُ، وَ لَأَحْسُوْدًا إِلَّا قَمَعْتَهُ،

وَ لَأَعْدُوًّا إِلَّا أَرْدَيْتَهُ، وَ لَأَشْرًا إِلَّا كَفَيْتَهُ،

و از دردها و بیماری‌ها عاقبتم ده.

و به حقّ اولیاءم و به فضل و احسانت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و توبه مرا بپذیر

و بر اندوه شدید من ترحم نما و از لغزشهایم درگذر و غم و

اندوه مرا نابود کن و خطایم را بپوشان و نسل مرا صالح گردان.

خدایا! در این بارگاه با عظمت و جایگاه با کرامت، گناهانم را

ببخش، عیوبم را بپوشان، اندوهم را برطرف گردان،

رزقم را وسیع فرما. هر منزلتی به من می‌دهی آنرا جاودانه و

آباد قرار ده. فسادهایم را اصلاح نما، مرا به آرزوهایم برسان و

دعاهایم را مستجاب کن.

تنگناها را باز و تنگی‌ها را گشایش ده، پراکندگی‌ها را سامان

بخش. همهٔ امور را به پایان رسان و سرمایه‌ام را زیاد گردان.

اخلاقم را نیکو نما. هر چیزی را که انفاق می‌کنم برایش

جانشینی قرار ده، هر حالی را که عطا می‌کنی دائمی و آباد باشد.

حسود را نابود کن، دشمن را هلاک ساز. هر شری را از من دفع نما.



وَ لَأَمْرَضاً إِلَّا شَفِيئَةً ، وَ لَأَبْعِيداً إِلَّا أَدْنِيئَةً ،  
 وَ لَأَشَعْنَاءَ إِلَّا لَمَمْتَهُ ، وَ لَأَسْؤِلاً إِلَّا أَعْطِيئَةً \*  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ ، وَ ثَوَابَ الْأَجَلَةِ \*  
 اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ ،  
 وَ بِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنْامِ \*  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً ، وَ قَلْباً خَاشِعاً ،  
 وَ يَقِيناً شَافِئاً ، وَ عَمَلاً زَاكِياً ، وَ صَبْراً جَمِيلاً ،  
 وَ أَجْراً جَزِيلاً \*

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ ،  
 وَ زِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيَّ ،  
 وَ اجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعاً ،  
 وَ عَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً ، وَ أَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ  
 مَتْبُوعاً ، وَ عَدُوِّي مَقْمُوعاً \*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ ، فِي  
 أَنْاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ ، وَ اكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ ،

هر مرضی را شفا ده ، هر دوری را نزدیک و در دسترس قرار ده ،

هر اختلافی را سامان بخش ، هر خواسته‌ای را عطا فرما .

خدایا ! من از تو خیر دنیا و پاداش آخرت را درخواست می‌کنم .

خدایا ! مرا با حلال خودت ، از حرام بی‌نیاز گردان و به فضل

خویش از همه مردم ، بی‌نیاز ساز .

خدایا ! من از تو دانشی مفید ، قلبی فروتن ، یقینی شفا بخش ،

عملی پاک ، صبری جمیل و پاداشی بزرگ می‌طلبم .

خدایا ! شکرگزاری نعمت را که بر گردنم هست ، روزیم کن .

و احسان و کرمات را بر من بیفزای . و گفتارم را در میان مردم ،

مورد پذیرش قرار ده و رفتارم را نزد خودت بالا ببر و قبول نما ،

و آثار خیر مرا مورد پیروی دیگران قرار ده و دشمن مرا ریشه

کن فرما .

خدایا ! در لحظه لحظه هر شبانه روز بر محمد و خاندان نیکوی

محمد ، درود و رحمت فرست و مرا از شرّ بدکاران کفایت فرما .

وَ طَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ،  
وَ ادْخِلْنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَ اغْفِرْ لِي وَ لِجَمِيعِ  
إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ،  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ❁

و مرا از گناهان و گرانباری معاصی پاک گردان  
و [ابتدا] از آتش جهنم مصونم بدار و [سپس] در منزلگاه ابدی  
وارد ساز و مرا و همه برادران و خواهران با ایمان مرا به  
رحمت پیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

## صلاة الزيارة وقنوتها

ثُمَّ تَوَجَّهْ إِلَى الْقِبْلَةِ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَاقْرَأْ فِي الْأُولَى سُورَةَ  
الْأَنْبِيَاءِ وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَشْرَ وَأَقْنَتِ وَقُلْ :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ \* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ  
الْعَظِيمُ \* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ  
الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، \*  
خِلَافًا لِأَعْدَائِهِ، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَ إِقْرَارًا  
لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ \* الْأَوَّلُ بغيرِ أَوَّلٍ \*  
وَ الْآخِرُ إِلَى غيرِ آخِرٍ \* الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
بِقُدْرَتِهِ \* الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَ لُطْفِهِ \*  
لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَ لَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ  
حَقِيقَةَ مَا هَيْتِهِ، وَ لَا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِهِ \*  
مُطَّلِعًا عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ  
الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ \*  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى

### نماز زیارت و قنوت آن

پس از تمام شدن زیارت، روبه قبله کن و دو رکعت نماز بجای آور به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد، سوره انبیاء و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره حشر را بخوان و آنگاه در قنوت نماز بگو:

هیچ معبودی جز خداوند بردبار و کریم نیست، هیچ خدائی جز خداوند بلند مرتبه و عظیم نیست، هیچ معبودی جز خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و موجوداتی که درون آنها و میان آنهاست، وجود ندارد.

[این اعتقاد] برخلاف اندیشه دشمنان خداست و مورد تکذیب کسانی است که از خداوند روبرتافته‌اند و نیز موجب اعتراف به ربوبیت او و خضوع در مقابل عزت اوست؛ خدائی که اوّل است بی آغاز و آخر است بی پایان.

به قدرتش بر تمام اشیاء غلبه نموده و به دانش و لطفش در هر چیز نفوذ کرده است.

عقول بشری بر حقیقت بزرگی او آگاه نخواهد شد و اوهام و خیالات کنه ذات او را درک نمی‌کند و حالات و چگونگی او را هیچ ذهنی نمی‌تواند تصوّر کند.

او بر باطنها آگاه و به رازها داناست و خیانت چشمها و اسرار دلها را می‌شناسد.

بار خدایا! در تصدیق من به رسالت که صلوات تو بر او و

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ \* وَ  
 إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ \*  
 وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ، وَدَعَتُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ  
 بِهِ، وَحَثَّتْ عَلَى تَصَدِيقِهِ، بِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِي  
 يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ  
 يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ  
 لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ  
 عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ \*  
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَ سَيِّدِ  
 الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَ عَلِيٍّ أَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ،  
 الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَ عَلِيٍّ  
 فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ عَلِيٍّ  
 سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ،  
 صَلَاةً خَالِدَةً الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَ  
 زِينَةَ الْجِبَالِ وَ الْأَكَامِ، مَا أَوْرَقَ السَّلَامُ،

خاندانش باد و ایمانم به او و علم من به قدر و منزلتش ، تو را گواه می گیرم و براستی شهادت می دهم که همانا او پیامبری است که حکمت به فضیلت او سخن راند .

و تمامی پیامبران گذشته بشارت بر آمدن او دادند .

و مردم را به گرویدن به دین او دعوت نمودند .

و بر تصدیق او تشویق نمودند . چنان که خودت در قرآن

(اعراف ، آیه ۱۵۷) فرموده‌ای : ﴿اوست همان پیامبری که

نامش را در تورات و انجیل خودشان نگاشته می یابند ، آنها را

به نیکوئی امر می کند و از زشتی نهی می فرماید . نعمت های

پاک و طیب را برایشان حلال و خبائث و پلیدیها را بر آنها حرام

می گرداند و گرفتاری ها و زنجیرهای اسارت و وابستگی ها را

که بر دست و پای آنها قرار گرفته بود همه را بر می دارد﴾ .

پس بر محمد ، فرستاده‌ات به سوی جنّ و انس و سرور پیامبران

برگزیده و بر برادر و پسر عمویش که این دو بزرگوار به اندازه

یک چشم برهم زدن به تو شرک نورزیدند و بر فاطمه زهراء

سرور تمامی زنان جهانیان و بر دو سرور جوانان اهل بهشت؛

امام حسن و امام حسین ، درودی فرست جاویدان و همیشگی

به تعداد قطره های بارانها و وزن کوهها و تپه ها، تا آن زمان که

درخت سلام<sup>(۱)</sup> برگ می دهد .



وَ اِخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَ الظَّلَامُ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ،  
 الْأَيْمَةَ الْمُهْتَدِينَ، الذَّاكِرِينَ عَنِ الدِّينِ ، عَلِيٍّ وَ  
 مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ  
 الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةَ، الْقُوَامِ بِالْقِسْطِ، وَ سُلَالَةِ السَّبْطِ \*  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ فَرَجاً قَرِيباً،  
 وَ صَبْراً جَمِيلاً، وَ نَصْراً عَزِيزاً، وَ غِنَى عَنِ الْخَلْقِ،  
 وَ ثَبَاتاً فِي الْهُدَى، وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى،  
 وَ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً، مَرِيئاً دَاراً سَائِغاً،  
 فَاضِلاً مُفَضَّلاً صَباً صَباً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا نَكْدٍ،  
 وَ لَا مِئَةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَ عَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ سَقَمٍ  
 وَ مَرَضٍ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ النِّعْمَاءِ، وَ إِذَا  
 جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ  
 طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ حَتَّى تُؤَدِّيَنَا  
 إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و روشنی و تاریکی شب و روز در رفت و آمدند.  
و [نیز درود فرست] بر خاندان پاک پیامبر؛ آن پیشوایان  
هدایت یافته که از حریم دین دفاع نمودند؛ [یعنی] علی و  
محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت،  
آنان که برپاکننده قسط و از نسل نوه پیامبراند.

بار خدایا! به حق این امام [بزرگوار، این حوائج را] از تو  
درخواست می‌کنم: فرجی نزدیک و صبری نیکو، و پیروزی  
توأم با عزت، و بی‌نیازی از مردم، و دوام در [طریق] هدایت،  
و توفیق عمل به آنچه تو دوست داری و رضایت تو در آنست.  
و روزی وسیع، حلال و پاک، گوارا و ریزان و خوشگوار،  
فراوان و برتر و پی‌درپی و بدون هیچ سختی و منّتی.

و نیز تندرستی و مصونیت از هر بلاء، ناخوشی و بیماری و  
شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را از تو درخواست می‌کنم.  
بار الها! هنگامی که مرگ ما فرارسید بر نیکوترین حال طاعت  
روح ما را قبض فرما، در حالتی که نگاهبان دستوره‌های تو  
باشیم، تا آنکه ما را به بهشت‌های پُر نعمت برسانی، به رحمت  
ای مهربانترین مهربانان.

بار خدایا! بر محمد و آل او رحمت فرست.

وَ أَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ انْسِنِي بِالْآخِرَةِ،  
وَ إِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَ لَا يُؤْنِسُ  
بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ ❊

اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَاعْلِيكَ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى  
لَامِنِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِنِّي عَلَى  
نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ، وَ شَهْوَتِي العَالِيَةِ،  
وَ اخْتِمْ لِي بِالعَافِيَةِ ❊

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَ أَنَا مُصِرٌّ عَلَى  
مَا نَهَيْتَ قَلَّةً حَيَاءً، وَ تَرَكِي الإِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي  
بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ ❊

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ،  
وَ إِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ،  
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَدِّقْ رَجَائِي لَكَ،  
وَ كَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ، وَ كُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي  
بِكَ يَا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ ❊

و مرا از دنیا بترسان و با آخرت مأیوس فرما .

البته خوف تو سبب وحشت از دنیا و امید به تو سبب انس با آخرت است .

بارالها! تو بر دیگران حجّت داری ، نه دیگران بر تو و شکایت و گلایه باید به سوی تو باشد، نه از تو . پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا علیه نفس ستمکار و نافرمان خویش و شهوت غالب خودم یاری فرما و عافیت را برایم قرار بده .

بار خدایا ! استغفار من از تو با وجود پافشاریم بر آنچه نهی کرده‌ای به سبب کم حیائی است و ترک استغفار من با آن که می دانم حلم تو وسیع است ، حقّ امیدواری را تباه می کند .

پروردگارا ! گناهانم مرا از امیدواری به تو مأیوس می کند و آگاهیم به وسعت رحمت تو مرا از ترس از تو باز می دارد ، پس بر محمد و آل او رحمت فرما و امید مرا به خودت پا برجا نما ، و ترس مرا از خودت حتمی گردان و هنگامی که بهترین گمان را دارم ، مرا همراهی کن ، ای کریم ترین کریمان .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ  
 وَ أَيْدِي بِالْعِصْمَةِ ، وَ أَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ ،  
 وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ ،  
 وَ لَا يُغْبِنُ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ ، وَ لَا يَهْمُ لِرِزْقِ غَدِهِ \*  
 اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مِنْ اسْتَعْنَى بِكَ وَ افْتَقَرَ إِلَيْكَ ،  
 وَ الْفَقِيرَ مِنْ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ ، فَصَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ ،  
 وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ \*

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَ أَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَ  
 وَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ ، وَ إِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي  
 فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي  
 لِقُوَّةِ أَمَلِي \*

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ  
 أَقْسَى مِنِّي قَلْبًا وَ أَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا ، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ  
 لَأَمَوْلَى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا ، وَ أَوْسَعُ رَحْمَةً وَ عَفْوًا ،

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا به پاکی از گناه یاری کن و زیانم را به حکمت گویا فرما، و مرا از کسانی قرارده که برای تباهی‌های گذشته خویش پشیمان هستند و روزی امروز خویش را تباه نمی‌کنند و بر روزی فردای خود نگران نیستند.

بارالها! غنی کسی است که به سبب تو بی‌نیاز گردد و دست حاجت به سوی تو بلند کند، و فقیر کسی است که به واسطه بندگانت از تو احساس بی‌نیازی کند. پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا از بندگان خویش به سبب خودت بی‌نیاز فرما و مرا از کسانی قرارده که جز بسوی تو دست دراز نکنند.

بارالها! بدبخت کسی است که با این که توبه، فرار او و رحمت تو پیش روی اوست [از درگاهت] ناامید باشد.

خدایا! اگر چه عمل من ضعیف است، لکن امید به رحمت تو در من قوی می‌باشد. پس ضعف عمل مرا در قبال قوت امیدم نادیده بگیر.

پروردگارا! اگر تو می‌دانی که در میان بندگانت از من سنگدل‌تر و گناه‌کارتر نیست، [در عوض] من هم به یقین می‌دانم که هیچ مولائی فضل و عطایش از تو بیشتر و رحمت و عفویش از تو وسیع‌تر نمی‌باشد.

فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ  
بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ ❀

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَ نَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنَا،  
وَ ذَكَّرْتَ فَتَنَسَيْنَا، وَ بَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا،  
وَ حَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَ مَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ  
إِلَيْنَا، وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَ أَخْفَيْنَا، وَ أَخْبَرُ بِمَا  
نَأْتِي وَ مَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ  
وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَ نَسِينَا، وَ هَبْ لَنَا  
حُقُوقَكَ لَدَيْنَا، وَ أْتِمِّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا، وَ أَسْبِلْ  
رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا ❀

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ،  
وَ نَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَ لِحَدِيثِهِ رَسُولِكَ  
وَ لِأَبُوَيْهِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ،  
إِذْ رَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَ صَلَاحُ أَحْوَالِ  
عِيَالِنَا، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ،

پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه‌ای! کسی را که در گناهِش یگانه نیست، بیخشای .

بار خدایا! تو امر فرمودی و ما سرپیچی نمودیم و ما را از بدی‌ها نهی کردی ولی ما دست برنداشتیم، ما را به نیکی‌ها یادآوری فرمودی ولی ما خود را به فراموشی زدیم، به ما بصیرت دادی ولی ما خود را به کوری زدیم، تو ما را از گناه بر حذر داشتی ولی ما معصیت نمودیم .

آری ! این تجاوز ما پاسخ احسان تو نبود و تو به آنچه ما آشکار یا پنهان نمودیم ، داناتری و به اعمالی که بجا آورده و می‌آوریم آگاه‌تری . پس بر محمد و آتش رحمت فرما و ما را بر خطاها و فراموشی‌هایمان مؤاخذه فرما و حقوق را که بر گردن ماست بیخشای و احسان و کرم خویش بر ما تمام فرما و رحمتت را بر ما فروریز .

بار خدایا! به وسیله این صدیقی که امام است ، به تو متوسل می‌شویم و به حقی که برای او و برای جدش که رسول تو است و برای پدر و مادر او ، علی و فاطمه که اهل بیت رحمتند قراردادی، از تو می‌خواهیم : روزی خودت را که پایداری زندگی ما به آن وابسته ، و احوال خوب خانواده ما در گرو آنست، بر ما پیایی فروریز ؛ زیرا تو آن کریمی هستی که از خزانه وسیعت عطامی کنی .



وَ تَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَ نَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ  
 مَا يَكُونُ صَلاَحًا لِلدُّنْيَا، وَ بَلَاعًا لِلْآخِرَةِ \*  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لَنَا  
 وَ لِوَالِدَيْنَا، وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ،  
 وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ  
 الْأَمْوَاتِ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ  
 حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ \*

و از روی توانائی محروم می‌کنی و ما از تو رزقی را می‌خواهیم  
که صلاح دنیای ما و رسانندهٔ ما به آخرت باشد.

بار خدایا! بر محمد و آلش رحمت فرست، و ما و والدین ما و  
همهٔ مؤمنین و مؤمنات و تمام مردان و زنان مسلمان را  
ببخشای، چه آنان که زنده‌اند و چه آنها که مرده‌اند.

و در دنیا و آخرت به ما حسنه عطا فرما و ما را از عذاب آتش  
[دوزخ] حفظ فرما.

### ذِكْرُ مَا بَعْدَ الصَّلَاةِ

ثُمَّ ارْكَعْ وَاسْجُدْ وَتَشَهَّدْ وَسَلِّمْ، ثُمَّ سَبِّحْ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ، فَإِذَا سَبَّحْتَ فَعَفِّرْ خَدَيْكَ وَقَلَّ:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَاسْأَلِ اللَّهَ الْعِصْمَةَ وَالنَّجَاةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالتَّوْفِيقَ بِحُسْنِ الْعَمَلِ وَالْقَبُولَ لِمَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْهِ وَتَبْتَغَى بِهِ وَجْهَهُ.

### الصَّلَاةُ الثَّانِيَّةُ وَذِكْرُ مَا بَعْدَهَا

ثُمَّ قِفْ عِنْدَ الرَّأْسِ وَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ عَلَى مَا تَقَدَّمَ ثُمَّ انْكَبِّ عَلَى الْقَبْرِ وَقَبْلَهُ وَقَلَّ:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

وَادْعِ لِنَفْسِكَ وَلِوَالِدَيْكَ وَلِمَنْ أُرَدْتَ بِمَا أَحْبَبْتَ.

## ذکر بعد از نماز

پس از تمام شدن قنوت، رکوع و سجود و تشهد و سلام نماز را انجام ده، سپس تسبیح حضرت فاطمه زهراء را بخوان. آنگاه صورت را بر خاک بگذار و چهل مرتبه این تسبیحات را بگو: خداوند پاک و منزّه است و تمامی ستایش‌ها شایسته خدا است و هیچ معبودی جز الله نیست، و خداوند بزرگ‌تر از آنست که توصیف شود.

پس از تمام شدن تسبیحات فوق، از خدا بخواه که ترا از ارتکاب به گناهان نگهدارد و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد و توفیق عمل نیک کرامت فرماید و اعمالی را که موجب تقرب به خدا می‌شود و با آنها جهت الهی پیدا می‌کنی، قبول نماید.

## نماز دوم و ذکر بعد از آن

سپس نزد سر بایست و دو رکعت نماز مثل نماز قبلی بخوان. آنگاه خود را روی قبر بیانداز و آنرا ببوس و بگو: خداوند بر عزّت و شرفِ شما [اهل بیت] بیفزاید، و درود و رحمت و برکاتِ خداوند بر شما باد. سپس برای خود و والدین خود و هرکس که می‌خواهی، آنچه دوست داری دعا کن.

و الحمد لله الذی هدانا لهذا

سید هدایت الله طالقانی

اوّل اسفند ۱۳۸۳ برابر با عاشورای ۱۴۲۶

## آثار چاپ شده مؤلف

سال انتشار چاپ‌های بعدی	سال انتشار چاپ اول	نام کتاب
۱۳۸۰ و ۷۵	۱۳۷۰	نگرشی نو بر قوانین اعلال
۱۳۷۴	۱۳۷۴	مرجعیت
چاپ ششم: ۱۳۸۲	۱۳۷۷	برکرانه قدر
	۱۳۷۹	زکات، سرمایه فقر زدائی
	۱۳۷۹	نگرشی نو بر شرائط یائسگی
۱۳۸۱	۱۳۸۰	همره نور، جلد اول
	۱۳۸۳	رژیم غذایی متناسب با گروه خونی (مقدمه، تدوین و تحقیق)
	۱۳۸۳	همره نور، جلد دوم
	۱۳۸۳	همره نور، جلد سوم

